



دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

تصحیح جُنْگ شماره ی «۵۳۴» کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی

به کوشش

محمد صادق خاتمی

استاد راهنما

دکتر اکبر نحوی

شهریور ماه ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

اظہار نامہ

اینجانب، محمد صادق خاتمی، دانشجوی رشته ی زبان و ادبیات فارسی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، اظہار می کنم که این پایان نامه، حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام؛ هم چنین اظہار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه، دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه ی حقوق این اثر مطابق با آیین نامه ی مالکیت فکری و معنوی، متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: محمد صادق خاتمی

تاریخ و امضاء: ۱۳۹۲/۶/۳۱

به نام خدا

تصحیح خُنگ شماره ی «۵۳۴» کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی

به کوشش

محمد صادق خاتمی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی  
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزش یابی شده توسط کمیته ی پایان نامه، با درجه ی: عالی

دکتر اکبر نحوی، دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته)

دکتر محمد حسین گرمی، استاد بخش زبان و ادبیات فارسی (استاد مشاور)

دکتر سعید حسام پور، دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی (داور داخلی)

شهریور ماه ۱۳۹۳

**تقدیم به:**

**پدر و مادر بزرگوارم که موی سرشان سپید شد**

**تا من رو سفید باشم.**

## سپاسگزاری

سپاس خدای راست جلّ جلاله که آثار قدرتش بر چهره ی روز روشن، تابان و انوار حکمتش در دل شب تار، درفشان، و درود بر گزیده ی خلقت، محمّد مصطفی (ص).

بی تردید، به انجام رساندن این پایان نامه، مرهون ارشاد و راهنمایی استادان گرانقدری است که اگر دستگیری آنان نبود، این تحقیق، سراپا نقصان و کاستی بود؛ لذا اگر در این پایان نامه، قدری هست، حاصل راهنمایی آن فاضلان است و اگر نقصی هست، از شتابزدگی بنده است.

استاد بزرگوام جناب آقای دکتر اکبر نحوی، نه تنها در راهنمایی این پایان نامه، بلکه در طول دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد، همواره مرا مرهون راهنمایی های ارزنده ی خود، قرار دادند؛ از ایشان بی نهایت سپاس گزارم.

استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر محمّد حسین کرمی، پدران، اوقات گرانبهای خود را برای ارشاد این حقیر، اختصاص دادند، از ایشان نیز صمیمانه قدردانی می کنم.

هم چنین لازم است که از راهنمایی های ارزنده ی استاد داور محترم، جناب آقای دکتر سعید حسام پور، تشکر و قدردانی نمایم.

در پایان، از جناب آقای دکتر حسین کیانی، نماینده ی محترم تحصیلات تکمیلی که زحمت مطالعه ی این رساله و حضور در جلسه ی دفاع اینجانب را بر خود هموار نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## چکیده

### تصحیح جُنْگ شماره ی «۵۳۴» کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی

#### به کوشش

#### محمد صادق خاتمی

جُنْگ های بازمانده از سده های پیشین، به مانند گنجینه هایی مستحکم، در حفظ آثار شاعران و نویسندگان و نیز، مأخذی ارزشمند، در تصحیح انتقادی متون، محسوب می شوند. در کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی، نیز، نسخه ای نفیس از جُنْگی شعری، به شماره ی «۵۳۴ - سنا»، وجود دارد. پس از بررسی های دقیق آن از جهت ساختار و محتوا، بدین نتیجه رسیدیم که این جُنْگ، که با توجه به خط و مرکب آن در قرن دهم هجری، کتابت شده است، بنا بر قرائن، به احتمال قوی، باید از روی جُنْگ بسیار کهنه ای (شاید از قرن هشتم)، استنساخ شده باشد؛ زیرا در این جُنْگ، فقط اشعار شاعران پیش از قرن نهم و به عبارت دقیق تر، تا اواخر قرن هشتم، وجود دارد و حاوی اشعاری نیز هست که در منابع دیگر دیده نشده اند. این مجموعه، علاوه بر شعرای طراز اول، حاوی اشعارِ شعرای کمتر شناخته شده چون: رفیع الدین ابهری، احمد موسوی، کمال الدین جربادقانی، مجیرالدین سمنانی و... نیز هست؛ بنابراین، می توان اهمیت جُنْگ حاضر را به سبب وجود اشعار تازه یافته از سخنورانی دانست که در هیچ مأخذ و تذکره ای، ثبت نشده است و برای تاریخ ادبیات ایران، تازگی دارد. همچنین، ضبط اشعار در این جُنْگ، به علت برگزیده شدن از نسخه های اصیل و صحیح، از بهترین ضبط ها به عنوان نسخه بدل، برای تصحیح مجدد قسمتی از اشعار شاعرانی که دیوان آنها به چاپ رسیده و نیز فهم بهتر اشعار آنان، خواهد بود.

پس از قطعی شدن فرضیه ی تاریخ تألیف جُنْگ در قرن هشتم برای ما، روش تصحیح جُنْگ، چنان بود که، در ابتدا، تمام جُنْگ، بازنویسی گردید. برای بالا بردن فایده ی نشر و نیز، حفظ امانت داری در هنگام تصحیح، اشعار جُنْگ را با دیوان چاپی شاعران، مقابله کردیم؛ بدین صورت که، متن جُنْگ، به عنوان نسخه ی اساس، مبنای کار، قرار گرفت و دیوان های چاپ شده ی شاعران، به عنوان نسخه بدل، با جُنْگ، مقابله گردید و موارد اختلاف، در پانویشت، ذکر شد. پس از تصحیح متن جُنْگ، بر آن، مقدمه ای روشنگر و جامع، نگاشته آمد که مشتمل است بر: شرح احوال جامع جُنْگ، سعدالدین الهی و سپس، کاتب آن، سعدالدین الاله و سایر توضیحات، از قبیل: تعریف سفینه و جُنْگ و بیاض و پیشینه ی آنها، تاریخ یا زمان تألیف جُنْگ، رسم الخط اثر و سپس، مشخص ساختن نقش و کارکرد این جُنْگ در ارتباط با ادبیات منظوم پارسی و در پایان، بیان برخی فواید و امتیازات جُنْگ مورد نظر.

**کلید واژه ها:** جُنْگ؛ شعر؛ سعدالدین الهی؛ قرن ۸؛ سعدالدین الاله؛ قرن ۱۰؛ تصحیح انتقادی؛ بررسی ساختاری و محتوایی؛ فواید و امتیازات.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اوّل.....	۱
کلیّات.....	۱
۱-۱- مقدّمه (طرح موضوع یا مسأله تحقیق).....	۳
۱-۲- اهمیّت و ضرورت تحقیق.....	۶
۱-۳- هدف تحقیق.....	۷
۱-۴- روش تحقیق.....	۸
فصل دوّم.....	۱۱
مقدّمه.....	۱۱
۲-۱- سفینه و بیاض و جُنْگ.....	۱۱
۲-۲- پیشینه ی سفینه و بیاض و جنگ.....	۱۱
۲-۳- مجموعه چیست؟.....	۱۳
۲-۴- طبقه بندی سفینه و بیاض و جنگ از حیث وجه تسمیه.....	۱۳
۲-۵- بررسی ساختاری جنگ سعدالدین الهی.....	۱۴
۲-۶- جدول ها و آرایگی.....	۱۵
۲-۷- نام جُنْگ.....	۱۵
۲-۸- ویژگی های کتابتی نسخه.....	۱۶
۲-۹- غلط های املائی.....	۱۹
۲-۱۰- تصحیحاتی که سعدالدین الاله در سفینه اعمال کرده است.....	۱۹
۲-۲-۱۰- نگاشتن نسخه بدل در حاشیه ی نسخه.....	۲۰
۲-۱۱- برافزوده های نسخه.....	۲۰
۲-۱۲- افتادگی های جنگ سعدالدین الهی.....	۲۰



۲۰	۱۳-۲- شرح حال سعدالدین الهی؛ جامع جنگ
۲۲	۱۴-۲- شرح حال سعدالدین الاله؛ کاتب جنگ
۲۳	۱۵-۲- شعرهای سعدالدین الاله
۲۳	۱۶-۲- بررسی محتوایی جنگ
۲۴	۱۷-۲- بررسی ساختاری و محتوایی جنگ سعدالدین الهی
۲۶	۱۸-۲- برخی امتیازات جنگ سعدالدین الهی
۲۷	۱۹-۲- معرفی نسخه های جنگ
۲۸	۲۰-۲- روش تصحیح جنگ
۱۱	<b>فصل سوم</b>
۱۱	گویندگان جنگ سعدالدین الهی
۳۵	۳-۱- فهرست اسامی شاعران در جنگ
۳۵	۳-۱-۱- شرح حال گویندگان بنام و شناخته شده
۳۵	۳-۱-۱-۱- اثر اومانی
۳۵	۳-۱-۱-۲- اثر اخسیکتی
۳۶	۳-۱-۱-۳- انوری
۳۶	۳-۱-۱-۴- اسدی
۳۶	۳-۱-۱-۵- ازرقی
۳۶	۳-۱-۱-۶- ادیب صابر
۳۷	۳-۱-۱-۷- ابن یمین
۳۷	۳-۱-۱-۸- أفضل الدین کاشانی
۳۷	۳-۱-۱-۹- امامی هروی
۳۷	۳-۱-۱-۱۰- ابن سینا
۳۸	۳-۱-۱-۱۱- ابوسعید ابوالخیر

- ۳۸.....جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی ۱۲-۱-۱-۳
- ۳۸.....خاقانی ۱۳-۱-۱-۳
- ۳۸.....خیام ۱۴-۱-۱-۳
- ۳۸.....خواجه نصیر الدین طوسی ۱۵-۱-۱-۳
- ۳۹.....دقیقی ۱۶-۱-۱-۳
- ۳۹.....رضی الدین نیشابوری ۱۷-۱-۱-۳
- ۳۹.....رفیع الدین مسعود لبنانی ۱۸-۱-۱-۳
- ۴۰.....رشید وطواط ۱۹-۱-۱-۳
- ۴۰.....سعدی ۲۰-۱-۱-۳
- ۴۰.....سنایی غزنوی ۲۱-۱-۱-۳
- ۴۱.....سوزنی سمرقندی ۲۲-۱-۱-۳
- ۴۱.....سراج قُمری ۲۳-۱-۱-۳
- ۴۱.....سلمان ساوَجی ۲۴-۱-۱-۳
- ۴۲.....سید حسن غزنوی ۲۵-۱-۱-۳
- ۴۲.....شمس طبسی ۲۶-۱-۱-۳
- ۴۲.....شرف الدین شغروه ۲۷-۱-۱-۳
- ۴۲.....ظهیر فاریابی ۲۸-۱-۱-۳
- ۴۳.....عراقی ۲۹-۱-۱-۳
- ۴۳.....عبدالواسع جبلی ۳۰-۱-۱-۳
- ۴۳.....عنصری ۳۱-۱-۱-۳
- ۴۳.....عمیق بخارایی ۳۲-۱-۱-۳
- ۴۴.....عمادی شهرباری؛ عمادی غزنوی؛ عماد غزنوی ۳۳-۱-۱-۳
- ۴۴.....فردوسی ۳۴-۱-۱-۳

- ۴۴.....عطار ۳۵-۱-۱-۳
- ۴۴.....فلکی شروانی ۳۶-۱-۱-۳
- ۴۵.....فرّخی سیستانی ۳۷-۱-۱-۳
- ۴۵.....فخرالدین اسعد گرگانی ۳۸-۱-۱-۳
- ۴۵.....قطران ۳۹-۱-۱-۳
- ۴۵.....کمال الدین اسماعیل اصفهانی ۴۰-۱-۱-۳
- ۴۶.....کسایبی مروزی ۴۱-۱-۱-۳
- ۴۶.....منوچهری دامغانی ۴۲-۱-۱-۳
- ۴۶.....مجیر بیلقانی ۴۳-۱-۱-۳
- ۴۶.....مسعود سعد ۴۴-۱-۱-۳
- ۴۷.....مهستی گنجوی ۴۵-۱-۱-۳
- ۴۷.....مجد همگر ۴۶-۱-۱-۳
- ۴۷.....مختاری غزنوی ۴۷-۱-۱-۳
- ۴۷.....معزی ۴۸-۱-۱-۳
- ۴۸.....نجیب الدین جرفاذقانی (گلپایگانی) ۴۹-۱-۱-۳
- ۴۸.....نزاری قهستانی ۵۰-۱-۱-۳
- ۴۸.....ناصر خسرو ۵۱-۱-۱-۳
- ۴۸.....نظامی گنجه بی ۵۲-۱-۱-۳
- ۴۹.....نجم الدین دایه ۵۳-۱-۱-۳
- ۴۹.....همام تبریزی ۵۴-۱-۱-۳
- ۴۹.....شرح حال گویندگان کمتر شناخته شده ۲-۱-۳
- ۴۹.....ابوالمعالی نحاس اصفهانی ۱-۲-۱-۳
- ۴۹.....اصل مشهدی ۲-۲-۱-۳

- ۵۰ ..... ۳-۲-۱-۳- اوحدالدین حامد بن ابی الفخر کرمانی
- ۵۰ ..... ۴-۲-۱-۳- افضل الدین کرمانی
- ۵۰ ..... ۵-۲-۱-۳- بدرالدین
- ۵۱ ..... ۶-۲-۱-۳- بدیع الدین ترکو سکزی
- ۵۱ ..... ۷-۲-۱-۳- رفیع الدین ابهری
- ۵۱ ..... ۸-۲-۱-۳- رفیع الدین عبدالعزیز لُنبانی
- ۵۱ ..... ۹-۲-۱-۳- سعدِ الهی
- ۵۱ ..... ۱۰-۲-۱-۳- سیف الدین اعرج اسفرنگی معروف به سیف اسفرنک
- ۵۲ ..... ۱۱-۲-۱-۳- سَعِدِ بِهَا
- ۵۲ ..... ۱۲-۲-۱-۳- سراج الدین بلخی
- ۵۲ ..... ۱۳-۲-۱-۳- شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی
- ۵۲ ..... ۱۴-۲-۱-۳- شرف الدین حسام
- ۵۲ ..... ۱۵-۲-۱-۳- شهاب مؤید
- ۵۳ ..... ۱۶-۲-۱-۳- طیان بمی
- ۵۳ ..... ۱۷-۲-۱-۳- فَریدالدین أَحْوَل اصفهانی
- ۵۳ ..... ۱۸-۲-۱-۳- فرید الدین فارسی
- ۵۳ ..... ۱۹-۲-۱-۳- فخرالدین رازی
- ۵۴ ..... ۲۰-۲-۱-۳- فخرالدین مبارکشاه
- ۵۴ ..... ۲۱-۲-۱-۳- فخرالدین خالد
- ۵۴ ..... ۲۲-۲-۱-۳- فضل الله شیرازی
- ۵۴ ..... ۲۲-۲-۱-۳- اشعار ناشناسان
- ۵۵ ..... ۳-۱-۳- شاعران گمنام
- ۵۵ ..... فصل چهارم

متن جُنْگ سعدالدّین الهی .....	٥٥
الباب الاوّل فی صفات الله تعالى لاوحدالدّین انوری .....	٥٨
الباب الثّانی فی نعت النّبی علیه الصّلوه و السّلام لاوحدالدّین الانوری .....	٧٢
الباب الثّالث فی الموعظه و النّصائح لاوحدالدّین انوری .....	٨٠
الباب الرّابع فی القناعه و العزله لاوحدالدّین انوری .....	١٢٦
الباب الخامس فی مکارم الاخلاق لاوحدالدّین الانوری .....	١٥٤
الباب السّادس فی الامثال و الحکم لاوحدالدّین الانوری .....	١٨٩
الباب السّابع فی الايمان و القسمیّات لاوحدالدّین الانوری .....	٢٩٧
الباب الثّامن فی شکایه الزّمان و وصف حاله فی الحزن لاوحدالدّین انوری .....	٣١٣
الباب الثّاسع فی الافتخار و علوّ الهّمّه لاوحدالدّین انوری .....	٣٨٧
الباب العاشر فی صفت الرّبیع لاوحدالدّین انوری .....	٤١٣
الباب الحادی عشر فی صفه الصّیْف لاوحدالدّین الانوری .....	٤٥١
الباب الثّانی عشر فی صفه الخریف لاوحدالدّین انوری .....	٤٥٥
الباب الثّالث عشر فی صفتِ الشّتاء لاوحدالدّین الانوری .....	٤٥٩
الباب الرّابع عشر فی الحبّ علی الشّرب و صفت الشّراب لاوحدالدّین انوری .....	٤٦٤
الباب الخامس عشر فی الغزل و التّسیب لاوحدالدّین الانوری .....	٤٩٢
الباب السّادس عشر فی حسن التّخلص لاوحدالدّین الانوری .....	٦١٠
الباب السّابع عشر فی المدايح لاوحدالدّین الانوری .....	٦١٦
الباب الثّامن عشر فی مدح ... لاوحدالدّین انوری .....	٦٨١
الباب الثّاسع عشر فی مدح الخوانین لاوحدالدّین انوری .....	٦٨٤
الباب العشرون فی الاخلاص و المداومه علی الثّنا لاوحدالدّین الانوری .....	٦٨٦
الباب الحادی و العشرين فی شِدّه الاشتیاق لأوحدالدّین انوری .....	٦٩٨
الباب الثّانی و العشرون فی اهداء الكتاب و السّلام لاوحدالدّین انوری .....	٧٠٨

٧١١	البال الثالث و العشرون فى استدعاء الحضور لاوحدالدين انورى
٧١٤	الباب الرابع و العشرون فى انواع التهانى لاوحدالدين انورى
٧٢١	الباب الخامس و العشرون فى اظهار المسرت بنيل المراد لاوحدالدين انورى
٧٣٣	الباب السادس و العشرون فى التمنى و الرجاء لاوحدالدين انورى
٧٤٥	الباب السابع و العشرون فى الإستماحه و الإستعطاف لاوحدالدين انورى
٧٧٠	الباب الثامن و العشرون فى استدعاء الشراب و صفته لاوحدالدين انورى
٧٧٤	الباب التاسع و العشرون فى استدعاء ... و الشعير لاوحدالدين انورى
٧٧٧	الباب الثلثون فى الشكر لاوحدالدين الانورى
٧٩٤	الباب الحادى و الثلثون فى العتاب لاوحدالدين انورى
٨١١	الباب الثانى و الثلثون فى الإعتذار و الشفاعة لاوحدالدين انورى
٨٢٢	الباب الثالث و الثلثون فى العدل عن السقط و الاوجاع و الأمراض لاوحدالدين انورى
٨٢٧	الباب الرابع و الثلثون فى الشكاية عن الرمد لكمال الدين اسمعيل
٨٢٨	الباب الخامس و الثلثون فى الشكاية عن الجرب لكمال الدين اسماعيل
٨٣١	الباب السادس و الثلثون فى صفه النهار لظهيرالدين الفاريابى
٨٤١	الباب السابع و الثلثون فى صفه الشمس لكمال الدين اسماعيل
٨٤٣	الباب الثامن و الثلثون فى صفت الليل لاوحدالدين انورى
٨٥٣	الباب التاسع و الثلثون فى صفت القمر لاوحدالدين الانورى
٨٥٥	الباب الاربعون فى صفت الشمع لاوحدالدين الانورى
٨٥٨	الباب الخامس و الاربعون فى صفت السيف لجمال الدين محمد بن عبدالرزاق
٨٦٢	الباب السادس و الاربعون فى صفت القلم لاوحدالدين الانورى
٨٧١	الباب السابع و الاربعون فى صفت الدوات للامامى اسماعيل
٨٧٣	الباب الثامن و الاربعون فى صفت الحروب و الوقايع لاوحدالدين الانورى
٨٨٧	الباب التاسع و الاربعون فى صفت الابطال و الشجعان لعبدالواسع الجبلى

٨٩٣	الباب الخمسون فى صفت الفرس لاوحدالدين الانورى
٩٠٢	الباب الحادى و الخمسون فى ذمّ الفرس لاوحدالدين الانورى
٩٠٤	الباب الثانى و الخمسون فى صفت الجمال لاوحدالدين انورى
٩٠٥	الباب الثالث و الخمسون فى صفت الفيل لواحد
٩٠٧	الباب الرابع و الخمسون فى صفت الخط و الكتاب و الشعر لاوحدالدين انورى
٩١٥	الباب الخامس و الخمسون فى مزمّه الشعر و الشعرا لاوحدالدين انورى
٩١٨	الباب السادس و الخمسون فى صفت النار لجمال الدين محمّد بن عبدالرزاق
٩٢٢	الباب السابع و الخمسون فى صفت الرياح لجمال الدين محمّد بن عبدالرزاق
٩٢٤	الباب الثامن و الخمسون فى صفت الماء لاوحدالدين الانورى
٩٢٦	الباب التاسع و الخمسون فى صفت السفينه لكمال الدين اسماعيل
٩٢٨	الباب الستون فى صفت الظلم و العدوان و تخريبه البلدان لاوحدالدين الانورى
٩٣٢	الباب الحادى و الستون فى صفت الحبس لكمال الدين اسماعيل
٩٣٤	الباب الثانى و الستون فى الحبّ على السفر لاوحدالدين الانورى
٩٣٧	الباب الثالث و الستون فى الحبّ على المقام لاوحدالدين الانورى
٩٣٨	الباب الرابع و الستون فى شكايت البواب لكمال الدين اسماعيل طاب ثراه
٩٣٩	[الباب الخامس و الستون فى الهجو]
٩٤٢	الباب السادس و الستون فى الهزل و المطايبات للسوزنى
٩٤٥	الباب السابع و الستون فى الشيب و التاسف على الشباب
٩٤٥	لجمال الدين محمّد بن عبدالرزاق
٩٥٢	الباب الثامن و الستون فى المراثى لاوحدالدين الانورى
٩٧٠	الباب التاسع و الستون و هى آخر الابواب فى الادعيه و حسن المقطع
٩٧٠	لاوحدالدين الانورى
٩٩٢	فصل پنجم

نتیجه گیری..... ۹۹۲

منابع و مأخذ..... ۹۹۵



فصل اوّل

کلیّات

## ۱-۱- مقدمه (طرح موضوع یا مسأله تحقیق)

یکی از رایج ترین تعاریفی که برای ادب یا ادبیات آورده اند، عبارتست از: «مجموعه آثار مکتوبی که بلند ترین و بهترین افکار و خیالها را در عالی ترین و بهترین صورتهای تعبیر کرده باشد.» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۶). از زمانی که یعقوب لیث صفاری گفت: «...چیزی (سخنی) که من اندر نیابم، چرا باید گفتن؟»، تا به امروز، قرن هاست از عمر زبان و ادبیات پارسی دری می گذرد؛ از آن زمان تا به حال، شاعران و نویسندگان، حاصل فعالیت های فکری خود را به صورت مکتوب، حفظ کرده و برای نسل های بعد، به یادگار گذارده اند. اما این آثار مکتوب ادبی پیش از اختراع چاپ، به صورت خطی، تکثیر و انتشار می یافته اند. در اینجا است که صحت و سقم مطالب این آثار ادبی، با میزان دقت و هم چنین اطلاع کاتبان آنها ارتباط می یابد؛ زیرا همان طور که می دانیم کاتبان، به دلایل مختلفی، باعث شده اند، آثار اصیل نویسندگان با گذشت روزگاران، از شکل اصیل خود که از زیر دست نویسنده یا صاحب اثر بیرون آمده است، دور شوند و بر چهره ی آنها، غبار تحریف و تصحیف بنشینند.

اما چنانچه بخواهیم این آثار ادبی بازمانده را احیا کرده و از آنها به نحوی شایسته استفاده کنیم، در ابتدا لازم است این متون را بر اساس اصول و ضوابطی خاص و به شیوه ای علمی و انتقادی، بررسی و تصحیح نمود و تا حد امکان سعی کرد به همان شکل اصیل متن که از قلم خود نویسنده صادر گشته است، دست یافت و یا لاقلاً متن را به صورت اصیل خود، نزدیکتر کرد. در غیر این صورت، هرگونه نقادی در باب این متون، بی اعتبار خواهد بود؛ در اینجا است که وارد حوزه ی نقد ادبی خواهیم شد؛ زیرا نقد ادبی برگرفته از ادبیات (آثار مکتوب) است؛ به طوری که می توان گفت اصلی ترین موضوع آن را نیز ادبیات تشکیل می دهد. از تعاریفی که برای نقد ادبی بیان شده، عبارتست از: «شناخت ارزش و بهای آثار ادبی و شرح و تفسیر آن به نحوی که معلوم شود نیک و بد آن آثار چیست و منشاء آنها کدام است.» (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۵). نقد ادبی در عصر ما به خاطر پیوند با علوم دیگر نظیر تاریخ، روانشناسی، جامعه شناسی و... دارای رویکردهای گوناگونی است که منتقدان ادبی در نقد آثار، متناسب با آن ها به نقد متون می پردازند. اما یکی از اساسی ترین رویکردهای رایج در نقد ادبی و در عین حال مقدمه ی شیوه های دیگر نقد در روزگار ما، «نقد متون» است که به آن، «نقد متن شناختی یا نقد متنی»، هم گفته می شود. «نقد متون» و «تصحیح متون ادبی»، از اصلاحاتی هستند که همیشه با یکدیگر استعمال می شوند. زرین کوب، در ارتباط با این شیوه از نقد، چنین می

نویسد: «از مهمترین و دقیقترین مباحث نقد ادبی، تصحیح متون است که آن را نقد متون نیز گویند. هدف و غایت نقد و تصحیح متون این است که از روی نسخ خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل اثری را احیاء و مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی عرضه دارند که بتوان یقین و اطمینان حاصل کرد که اگر اصل اثر یعنی نسخه خط مؤلف در دست نیست، نسخه یی از آن در دست هست که به صورت اصلی و شکلی که مصنف و مؤلف اصل نوشته است بنهایت درجه نزدیک است». (زرین کوب، ۱۳۸۲: ۹۴ - ۹۳).

همان طور که از تعریف بالا مشخص است، میراث های ادبی کهن، از آثار مختلف منثور تا دیوان های شاعران، در طول تاریخ، اعم از آن که تنها یک نسخه از متن آنها و یا نسخه های متعددی از آنها، وجود داشته باشد، به دلایل بسیاری نظیر خطاهای گوناگون کاتبان، ضعف اطلاع کاتبان و یا تصرفات آنها، سهو و ناآگاهی و نیز اغراض و مقاصدی که گاه سبب تصرف نسخه نویسان شده، دستخوش تحریفات و تغییرات یا اضافاتی شده اند که این امر باعث دورگشتن آنها از صورت اصیل خود گشته است. در اینجا می بایست با استفاده از شیوه ی نقد متون به سراغ احیاء این آثار ادبی رفت تا بتوان به صورتی قابل قبول از یک متن دست یافت. چنان که می دانیم نقد و تصحیح متون عبارت است از:

«بحاصل آوردن نسخه ای از اثری که بر اساس عرض دادن و مقابله کردن نسخه های خطی معتبر و موثق آن اثر فراهم آمده باشد، به طوری که نسخه مذکور چه از جهت مفهوم و معنی و چه از بابت لفظ و صورت عین نخستین نسخه ای باشد که مؤلف، عرضه داشته است و یا لااقل هیأتی داشته باشد که مؤلف، اثرش را به مانند آن و یا نزدیک به آن فراهم آورده است». (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۷۰).

آثار ادبی که در طول تاریخ ادبیات فارسی بوجود آمده اند، گرچه، هر یک، اثری مستقل هستند در موضوع خاص خود، اما اگر بتوانیم این آثار ادبی را طبقه بندی کنیم و انواع مشابه آثار ادبی را در طبقات خاص خود قرار دهیم، متوجه می شویم که می توان بین گروههایی از آثار ادبی چه به لحاظ صورت و چه به لحاظ معنا ارتباط و تشابهاتی یافت؛ به طوری که گرچه هر اثر به عنوان جزیی از این مجموعه، دارای ویژگیهای خاص خود است اما با طبقه بندی فوق بوسیله ی «انواع ادبی»، می توان آثار ادبی را بر اساس ویژگیهای مشترک، طبقه بندی کرد؛ در اینجا است که برای نقد و تصحیح یک متن ادبی از یک مجموعه بزرگتر، می توان از آثار کل آن مجموعه در ارتباط با موضوع آن اثر، کمک گرفت. یکی از این مجموعه های کل، ادبیات منظوم

فارسی بطور عام است و یکی از اعضای این مجموعه، کتاب هایی است که با نام «جنگ های ادبی» شناخته می شوند؛ به طوری که «از جمله اسناد و منابع بسیار غنی و با اهمیت در قلمرو ادبیات منظوم فارسی، جنگها و بیاضهایی است که در ادوار مختلف به نامهای سفینه، خرقة، توبره، جنگ و امثال آن خوانده شده اند... جنگها و سفینه های شاعرانه... غنی ترین و نیز معتبرترین منابع تحقیق در ادبیات منظوم فارسی و نیز نقد و تصحیح آن به شمار می روند».

(مایل هروی، ۱۳۶۹: ۳۰۶).

در این نوع آثار که با نام «جنگ» شناخته می شوند، بهترین اشعار و زیبا ترین آثار منثور که به انتخاب و ذوق جامع آن جنگ بوده است، منتخب شده و محفوظ مانده اند. در اینجا نیز سخن از جنگی است که از ایامی نه چندان دور، یعنی عصر صفوی، به یادگار مانده است. در ابتدا لازم است، مشخصات صوری این جنگ، گزارش داده شود: «نستعلیق سده ۱۰، عنوان و نشان شنگرف، جدول زر و لاجورد، با سر لوح، ص ۱ و ۲ زرین، با فهرست نو نویس با اشاره به برگها در پایان... در ۲۶۲ گ ۱۹س، اندازه ۱۶×۸، ۲۴×۱۴، کاغذ سفید، جلد تیماج مشکی مقوایی زرپاشی شده (۱۴۴۳۲)». (دانش پژوه و...، ۱۳۵۶، ۱: ۳۴۰).

این جنگ نفیس و خوش انتخاب، از ابتدا تا انتها کامل است. در این جنگ، قصاید، غزلیات، قطعات و دیگر انواع شعر پارسی از شعرای مختلف، مندرج است و اشعار هم در مواردی، خلاصه گردیده است. نام سرایندگانی که اشعارشان در این جنگ نقل شده، برای نمونه بدین شرح است: سعدی (که بیش از شعرای دیگر، از او شعر آورده شده است)، فردوسی، نظامی، سنایی، خاقانی، انوری و... . از میان شاعران ذکر شده در این جنگ، اشعاری از شاعرانی نقل شده است که چون در جنگ ها و تذکره های دیگر کمتر دیده می شود، دارای ارزش بسیاری است. معرفی نویسنده ی این جنگ و نیز محتوای آن، در فهرست کتاب های خطی کتابخانه ی مجلس، به این صورت، بیان شده است: «گویا گردآوری و ترتیب سید الهی که در میانه ی نسخه آمده «لمرتبه سید الهی» شاید سید عماد الدین محمد حسین الهی همدانی اسدآبادی هم زمان شاه عباس و در گذشته ۱۰۶۳ (ذریعه، ۹: ۹۳)، به ترتیب موضوع است، مانند مونس الاحرار جاجرمی و دقایق الاشعار دولت آبادی، در ۶۹ باب: نخستین «فی صفات الله» دومی «نعت نبی» شصت و نهمی «فی الادعیه و حسن المقطع» شعرهای سرایندگان فارسی است تا سده هشتم، نخست از انوری و در پایان از سراج الدین قمری و واحد». (دانش پژوه و...، ۱۳۵۶، ۱: ۳۴۰).